

Avoidance of Contract under the CISG (1980): Position and Function as a Remedy for Breach of Contract

Mansour eshghpour¹, Meysam Omid²✉

Abstract

Field and Aims: One of the remedies recognized by the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG, 1980) to address breach of contract is the avoidance of the contract. The Convention was adopted to unify international trade law and to facilitate commercial activities. Aligning certain principles of the CISG with domestic Iranian law could provide a more suitable framework for commercial transactions and create opportunities for improving domestic regulations.

Method: This article is written using a descriptive-analytical approach, focusing on the provisions of the Convention, international judicial practice, and a comparison with Iranian domestic law.

Findings and Conclusions: A detailed analysis of the CISG provisions reveals that the right to avoid a contract arises under specific conditions and is not easily accessible. The Convention aims to preserve the legal life of the contract, providing avoidance as a last resort. This caution is due to the economic and practical consequences of avoidance, which often impose significant losses on one of the contracting parties. Moreover, a comparison with Iranian domestic law highlights substantial differences regarding the conditions for exercising the right of avoidance, notification requirements, time limitations, and the effects of avoidance. This analysis demonstrates that the CISG, while protecting the aggrieved party, establishes a precise mechanism to prevent arbitrary use of the remedy.

Keyword: Remedy of avoidance, International sale, Fundamental breach of contract, Convention for international sale of goods.

Citation (APA): eshghpour, M.; Omid, M. (2025). Avoidance of Contract under the CISG (1980): Position and Function as a Remedy for Breach of Contract. *International Legal Research*, 18(67), 61-82.

1. Assistant professor, Department of Law, Ardabil branch, Islamic azad university, Ardabil, Iran. Email: Man1363@iau.ac.ir

2. PhD Candidate in International Commercial and Investment Law, Faculty of law & Political science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Author). Email: law.omidi@gmail.com

فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰): جایگاه و کارکرد آن به عنوان راهکار مقابله با نقض قرارداد

منصور عشق‌پور^۱، میثم امیدي^۲✉

چکیده

زمینه و هدف: یکی از راهکارها و ضمانت اجراهایی که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) برای مقابله با نقض قرارداد پیش‌بینی کرده، فسخ قرارداد است. این کنوانسیون با هدف یکسان‌سازی حقوق تجارت بین‌المللی و تسهیل فعالیت‌های تجاری تصویب شده است. بررسی مواد کنوانسیون نشان می‌دهد که تطبیق برخی اصول آن با قوانین داخلی ایران می‌تواند شرایط مناسب‌تری برای فعالیت‌های تجاری فراهم نماید و زمینه اصلاح و بهبود قوانین داخلی را فراهم کند.

روش: این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته و به بررسی مفاد کنوانسیون، رویه قضایی بین‌المللی و مقایسه با حقوق داخلی ایران تمرکز دارد.

یافته‌ها و نتایج: بررسی دقیق مواد کنوانسیون نشان می‌دهد که حق فسخ قرارداد در شرایط خاصی ایجاد می‌شود و دسترسی به آن آسان نیست. کنوانسیون تلاش کرده است تا ادامه حیات حقوقی قرارداد حفظ شود و فسخ صرفاً به عنوان آخرین راهکار در اختیار طرفین قرار گیرد. علت این سخت‌گیری، آثار و پیامدهای اقتصادی و عملی فسخ است که اغلب زیان قابل توجهی بر یک طرف قرارداد تحمیل می‌کند. همچنین، مقایسه با حقوق داخلی ایران نشان می‌دهد که تفاوت‌های مهمی در شرایط ایجاد حق فسخ، الزامات اطلاع‌رسانی و محدودیت زمانی و نیز آثار فسخ وجود دارد. این تحلیل نشان می‌دهد که کنوانسیون ضمن حمایت از طرف زیان‌دیده، سازوکار مشخص و دقیق برای جلوگیری از اعمال خودسرانه فسخ فراهم کرده است.

کلیدواژه‌ها: ضمانت اجرای فسخ، بیع بین‌المللی، نقض اساسی قرارداد، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا.

استناددهی (APA): عشق‌پور، منصور؛ امیدي، میثم. (۱۴۰۴). فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰): جایگاه و کارکرد آن به عنوان راهکار مقابله با نقض قرارداد. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۸ (۶۷)، ۸۲-۶۱.

۸۲-۶۱

۱. استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. رایانامه: Man1363@iau.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: law.omidi@gmail.com



طبق مواد ۴۹، ۶۴، ۷۲ و ۷۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حق فسخ (avoidance) به صورت یک‌جانبه به یک‌طرف قرارداد اعطا می‌شود تا با اخطار و اطلاع دادن به طرف دیگر، قرارداد را خاتمه دهد. در متون فرانسوی این حق با عبارت «résolu» و در متون فارسی بعضاً با اصطلاحات «اجتناب» یا «فسخ» ترجمه شده است. با توجه به تعریف کنوانسیون، نزدیک‌ترین معادل در حقوق داخلی ایران «فسخ قرارداد» است، اما باید تأکید کرد که این معادل صرفاً برای فهم بهتر است و تفاوت‌های اساسی با فسخ در فقه امامیه و حقوق داخلی وجود دارد.

فسخ قرارداد سخت‌گیرانه‌ترین اقدامی است که یک طرف قرارداد در مواجهه با نقض از سوی طرف دیگر می‌تواند انجام دهد و به همین دلیل در ادبیات حقوق کامن لا از آن با عنوان «سخت‌ترین شمشیر» یاد می‌شود. سایر ضمانت اجراها مانند الزام به ایفاء تعهدات، تقلیل ثمن یا مطالبه خسارت، اثرات حقوقی به این شدت و دامنه را ندارند. انگیزه پشت هر قرارداد، چه کسب سود تجاری باشد و چه تأمین نیازهای کشور، اهمیت فسخ را بیش از پیش نشان می‌دهد؛ زیرا فسخ طرف مقابل را از منافع ناشی از قرارداد محروم می‌کند و در قراردادهای بین‌المللی معمولاً باعث از بین رفتن سرمایه‌گذاری‌های پیش و پس از انعقاد قرارداد می‌شود.

برای نمونه، تصور کنید تاجری مواد اولیه خاصی را از یک کشور خارجی خریداری کرده و با آن کارخانه‌ای در کشور خود تأسیس کرده و محصولات را پیش‌فروش کرده است. در صورت فسخ قرارداد خرید مواد اولیه، این تاجر نه تنها از سود مورد انتظار محروم می‌شود، بلکه کلیه هزینه‌های صرف‌شده برای تولید و فروش نیز تلف می‌شود و ممکن است تأسیس کارخانه بیهوده شده و مسئولیت مطالبات مشتریان نیز بر عهده او باقی بماند. در سناریوی دیگر، اگر نقض قرارداد از سوی فروشنده باشد و خریدار فسخ را اعمال کند، فروشنده ممکن است متحمل ریسک‌های جدی مانند خسارت یا از بین رفتن کالا شود، به‌ویژه زمانی که کالا در کشور دیگری قرار دارد و فروشنده آگاهی کافی از بازار آن کشور ندارد. در چنین شرایطی فروشنده یا باید کالا را با تقبل هزینه‌های بالا بازگرداند یا در بازار خارجی بفروشد که با ریسک‌های ناشناخته مواجه است.

این مثال‌ها نشان می‌دهد که حق فسخ قرارداد، هرچند مشروع و قانونی است، باید محدود و با دقت اعمال شود. از این‌رو کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حق فسخ را تنها در شرایط خاص و با رعایت الزامات دقیق در اختیار طرفین قرار می‌دهد. این محدودیت‌ها تضمین می‌کنند که فسخ به عنوان راهکار آخر و نه، ابزار خودسرانه مورد استفاده قرار گیرد و هم‌زمان منافع هر دو طرف مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر این، بررسی فسخ در حقوق داخلی ایران نشان می‌دهد که گرچه امکان فسخ قرارداد پیش‌بینی شده است، اما معیارها و شرایط اعمال آن متفاوت است و معمولاً بررسی آثار اقتصادی و عملی نقض برای دادگاه‌ها اهمیت دارد. ترکیب تحلیل کنوانسیون با رویکرد داخلی ایران می‌تواند درک عمیق‌تری از جایگاه فسخ و پیامدهای آن ارائه دهد و نشان دهد که این تأسیس حقوقی چگونه می‌تواند هم از ثبات قرارداد و هم از حقوق طرف زیان‌دیده حمایت کند.

با توجه به عمری چند دهه‌ای کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و اهمیت بالای فسخ قرارداد در تجارت بین‌المللی، هدف این مقاله بررسی جایگاه فسخ قرارداد، تحلیل موارد بارز ایجاد حق فسخ و تشریح الزامات و شرایط اعمال آن است. این بررسی هم به درک نقش فسخ در تأمین ثبات و عدالت در معاملات بین‌المللی کمک می‌کند و هم امکان مقایسه عملی با حقوق داخلی ایران را فراهم می‌سازد.

۱. جایگاه فسخ در کنوانسیون

۱-۱. فسخ به عنوان آخرین حربه

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نتایج غالباً سخت و ناگوار فسخ یک‌طرفه قرارداد را در نظر گرفته است. به همین دلیل الزامات سخت و نسبتاً دور از دسترسی را برای فسخ ارائه می‌کند. به‌طور خاص حق فسخ قرارداد فقط در صورتی مجاز می‌شود که طرف مقابل مرتکب نقض به‌اندازه کافی جدی یا اساسی شده باشد؛^۱ بنابراین در این وضعیت دیگر نمی‌توان از طرف زیان‌دیده انتظار داشت که از این قرارداد پیروی کند. یک نقض ساده قراردادی نمی‌تواند طرف زیان‌دیده را محق این کند که از قرارداد اجتناب کند و به آن عمل نکند و یا خواهان فسخ باشد. این تدبیر کنوانسیون باعث شده است که دادگاه‌ها^۲ و دکترین (Honold, 1999: 212) به‌درستی نتیجه بگیرند که فسخ طبق کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا آخرین حربه و راهکار است یا یک راهکار نسبتاً فوق‌العاده است که نباید به‌راحتی مورد استفاده قرار بگیرد. این حق فقط زمانی به یک‌طرف قرارداد اعطا می‌شود که دیگر انتظار ادامه قرارداد توسط طرف دیگر را نداشته باشند (Bridge, 2010: 916).

از طرف دیگر قید راهکار فوق‌العاده یا آخرین حربه برای فسخ موجب خطور این مسئله به ذهن ما می‌شود که طرف زیان‌دیده ابتدا باید راهکارهای دیگر را امتحان کند و سپس اگر از راهکارهای دیگر جواب نگرفت و نتوانست راهی به‌پیش ببرد؛ محق استفاده از فسخ شود و در راستای اتمام عمر حقوقی قرارداد اقدام کند. این فرضیه نادرست است و حقیقت امر چیز

۱. مراجعه شود به شماره ۳-۱ همین مقاله.

2. Oberster Gerichtshof, Austria, 07/09/2000, (UNCITRAL CLOUT case 428)



دیگری است. اگر یک نقض اساسی در رابطه با موضوع قرارداد و تعهدات مربوطه رخ داده باشد، حق فسخ قرارداد فوراً به طرف زیان‌دیده تعلق می‌گیرد و ممکن است بلافاصله توسط طرف زیان‌دیده در فرم و طی مدت‌زمان مورد نیاز که در کنوانسیون به آن اشاره شده است اعمال شود. قید عبارت راهکار فوق‌العاده یا آخرین حربه فقط نشانگر این است که حق فسخ قرارداد با اکراه و به سختی یعنی تحت شرایطی خاص اعطا می‌شود و از این‌رو نباید خیلی سریع قبول کرد که نقض اساسی در رابطه با قرارداد رخ داده است. لذا با توجه به توضیحات داده شده درمی‌یابیم که فسخ قرارداد در مقایسه با سایر ضمانت اجراها که شامل اقسام مختلف ریمدی^۱ می‌باشد دور از دسترس‌تر بوده و الزامات به وجود آمدن آن نسبتاً سخت‌گیرانه‌تر است (Zaheeruddin, 2016: 8).

علاوه بر آثار حقوقی، فسخ قرارداد در بیع بین‌المللی پیامدهای اقتصادی قابل توجهی دارد. در بسیاری از موارد، فسخ به معنای از دست رفتن سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، هزینه‌های حمل و نقل بین‌المللی، بیمه، مالیات و دیگر هزینه‌های جانبی است که طرف نقض‌کننده تعهدات باید متحمل شود. از این منظر، حق فسخ نه تنها آخرین حربه قانونی، بلکه یک مکانیسم پیشگیرانه است که انگیزه طرفین برای اجرای دقیق تعهداتشان را تقویت می‌کند و از ایجاد خسارت‌های قابل پیشگیری جلوگیری می‌کند.

در حقوق داخلی ایران نیز فسخ قرارداد تحت شرایط مشخص پیش‌بینی شده است؛ با این حال، تفاوت اصلی در معیارهای شناسایی نقض اساسی است. در قوانین ایران، شدت و آثار اقتصادی نقض اهمیت بیشتری دارد و فسخ معمولاً زمانی مجاز است که نقض موجب محروم شدن طرف زیان‌دیده از منفعت اصلی قرارداد شود؛ بنابراین، ترکیب تحلیل کنوانسیون و رویه داخلی ایران می‌تواند به روشن‌تر شدن معیارهای اعمال فسخ کمک کند و باعث شود فسخ به عنوان ابزار قانونی متناسب و کنترل‌شده به کار رود.

۲-۱. نحوه ایجاد حق فسخ بر اساس کنوانسیون

کنوانسیون در چهار وضعیت مختلف فسخ را به طرف زیان‌دیده یا محق در این رابطه، اعطا می‌کند:

اول، در جایی که فروشنده طبق ماده ۴۹ کنوانسیون مرتکب نقض اساسی قرارداد شده است؛ دوم، در جایی که خریدار طبق ماده ۶۴ کنوانسیون مرتکب نقض اساسی قرارداد شده است؛ سوم، در وضعیتی که روشن است و یا تقریباً با مسامحه می‌توان گفت که قطعی است بایع یا خریدار مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهند شد؛ به عبارت دیگر نوعی پیش‌بینی نقض اساسی قرارداد که در ماده ۷۲ کنوانسیون به آن اشاره شده است (رحیمی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

1. remedy

وضعیت چهارم موردی است که فروش به صورت اقساطی است. فسخ در رابطه با یک قسط نیز مجاز است در صورتی که یکی از طرفین مرتکب نقض اساسی در رابطه با آن قسط شده باشد (میرزائزاد، ۱۳۸۲: ۲۹۲). طبق ماده ۷۳ کنوانسیون در شرایطی که این نقض اساسی صورت گرفته، کل قرارداد را تحت الشعاع خود قرار دهد، فسخ کل قرارداد نیز می‌تواند درخواست شود (اندرز، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

سختگیری کنوانسیون در اعطای حق فسخ، از سوء استفاده احتمالی طرف زیان‌دیده جلوگیری می‌کند و همزمان اطمینان می‌دهد که طرف نقض‌کننده تعهدات، مسئولیت خود را جدی بگیرد. برای مثال، اگر خریدار بدون دلیل موجه قرارداد را فسخ کند، فروشنده می‌تواند مطالبه خسارت کند. این مکانیسم تعادل حقوقی بین طرفین را حفظ می‌کند و از فسخ‌های خودسرانه جلوگیری می‌نماید.

ماده ۷۲ کنوانسیون امکان فسخ پیش‌بینی شده را فراهم می‌آورد و به طرف زیان‌دیده اجازه می‌دهد حتی در صورت احتمال نقض اساسی، اقدام قانونی به‌موقع انجام دهد. این موضوع در تطبیق با رویه‌های دادگاه‌های ایران نیز قابل مشاهده است که تهدید به نقض اساسی یا احتمال آن می‌تواند مبنای اتخاذ تدابیر قانونی قرار گیرد. این سازوکار نه تنها حقوق طرف زیان‌دیده را تضمین می‌کند، بلکه انگیزه‌ای برای اجرای دقیق و به‌موقع تعهدات ایجاد می‌نماید.

۲. جهات عمده ایجاد حق فسخ

چهار وضعیت متفاوت ممکن است حق فسخ را به وجود آورد: عدم فرستادن و تحویل کالاها، تحویل دیر هنگام، تحویل کالای نامطابق و غفلت از سایر وظایف. در هر یک از این موارد، فسخ مستلزم این است که عدم ایفای تعهد از جانب طرف مقابل یک نقض اساسی قرارداد به حساب بیاید. هر یک از جهات عمده ایجاد حق فسخ، چه عدم تحویل، تأخیر، کالای نامطابق یا غفلت از سایر وظایف، نیازمند ارزیابی دقیق میزان نقض است. در حقوق داخلی ایران، حتی اگر نقض قراردادی کوچک باشد، اما موجب محروم شدن طرف از منفعت اصلی قرارداد شود، می‌تواند فسخ را توجیه کند. این دیدگاه می‌تواند در تحلیل شرایط نقض اساسی کنوانسیون نیز مفید باشد؛ زیرا نشان می‌دهد که اهمیت اقتصادی نقض و آثار عملی آن، معیار اصلی در شناسایی فسخ است.

۲-۱. عدم تحویل

در جایی که فروشنده نهایتاً کالا را تحویل ندهد و یا حتی قبل از موعد تحویل اعلام کند که از تحویل امتناع خواهد ورزید، چنین عدم ایفای تعهدی یک نقض اساسی محسوب می‌شود. با این حال اگر تنها یک بخش جزئی از قرارداد نهایتاً انجام نشود، به عنوان مثال یکی از چندین



محموله کالا تحویل داده نشود، این یک نقض غیراساسی محسوب می‌شود (مقصودی، ۱۳۹۶: ۱۴۹). از طرف دیگر اگر در رابطه با شرط قراردادی مبنی بر تحویل، فروشنده از حق حبس استفاده کند و درخواست کند که اول خریدار تعهداتش را در این مورد انجام دهد مانند بحث وصول پیش‌پرداخت و امثالهم، اگر چنین درخواستی از طرف فروشنده در قرارداد اصلی توافق نشده باشد این یک نقض اساسی است (Yovel, 2010: 9).

با این حال ممکن است بعد از گذشت زمان تحویل نیز تردید بماند که آیا نهایتاً فروشنده تحویل را انجام خواهد داد یا نه؛ بنابراین در چنین شرایطی خریدار فقط زمانی امنیت و اطمینان خواهد داشت که طبق ماده ۴۷ کنوانسیون یک مهلت زمانی اضافه‌ای را تعیین کند. پس از اینکه این مهلت زمانی بدون تحویل کالا پایان یافت این مسئله طبق قسمت «ب» بند ۱ ماده ۴۹ کنوانسیون به عنوان یک نقض اساسی تلقی می‌شود و خریدار می‌تواند قرارداد را فسخ کند (قبولی درافشان، ۱۳۹۷: ۹۹). با این حال باید تأکید کرد که این مکانیسم تنها در جایی کارساز می‌شود که کالاها هنوز تحویل داده نشده‌اند و در صورتی که تحویل کالا قابل تفکیک باشد، در صورتی که فقط قسمتهایی از کالا تحویل داده شده باشد، قاعده مشابهی در خصوص قسمت‌های تحویل داده نشده اعمال می‌شود (Liu, 2005: 24).

عدم تحویل کامل یا امتناع فروشنده از تحویل کالا، نقض اساسی محسوب می‌شود و حق فسخ را به خریدار می‌دهد. از منظر عملی، چنین نقضی می‌تواند کل زنجیره تولید یا بازاریابی بین‌المللی را مختل کند و خسارات قابل توجهی به بار آورد. در حقوق ایران، در چنین مواردی، علاوه بر فسخ، طرف زیان‌دیده حق مطالبه خسارت مستقیم و غیرمستقیم را نیز دارد. این امر اهمیت پیش‌بینی مکانیسم‌های فسخ و مهلت‌های تعیین شده برای تحویل کالا در قراردادهای بین‌المللی را نشان می‌دهد.

۲-۲. تأخیر در تحویل

به عنوان یک قاعده کلی، تحویل با تأخیر نقض اساسی محسوب نمی‌شود (Emre, 2022: 28). اگر تأخیر باعث ایجاد خسارتی شود، خریدار ممکن است مطالبه خسارت کند. با این حال، به‌طور کلی او حق فسخ قرارداد به این دلیل را ندارد. شرایط دیگری باید وجود داشته باشد تا صرف یک تأخیر به نقض اساسی تبدیل شود (Obeidat, 2018: 52). این در صورتی خواهد بود که طرفین توافق کنند که زمان ایفای تعهد (در اینجا یعنی موعد تحویل کالا)، ماهیت و ذات قرارداد باشد. برای مثال قراردادهای تحویل سر وقت^۱ که معمولاً در خصوص کالاهای بیمارستانی و داروها و سایر نیازهای فوری منعقد می‌شود. در شرایطی که طرفین توافق کرده‌اند که تحویل باید به سریع‌ترین راه ممکن انجام شود و در جایی که فروشنده از

1. just in time delivery

نیاز فوری خریدار به کالاها آگاه بوده یا برحسب شرایط و احوال می‌توانسته است آگاه باشد، تحویل حتی یک هفته پس از آن تاریخ توافق شده، نقض اساسی تلقی می‌شود^۱. همچنین در صورت خرید کالاهای فصلی تحویل در اواخر فصل یا بعد از پایان فصل یک نقض اساسی است؛ زیرا آن موقع کالاها برای خریدار بی‌فایده‌اند و نیاز و انتظاری که خریدار از قرارداد داشت برآورده نمی‌شود^۲.

اگر طرفین در رابطه با یکی از اینکوترمزها مانند سیف یا فوب توافقی کنند این به‌خودی‌خود یک تأخیر ساده را به یک نقض اساسی تبدیل نمی‌کند. بر مبنای رأی یک دادگاه آلمانی^۳ تعیین کردن معیارهای مختلف باید با تفسیر کردن واقعیت‌های موجود در آن پرونده انجام شود. فروشنده مواد اولیه در یک بیع سیف که قیمت آن به‌سرعت رو به کاهش بود، سه ماه پس از تاریخ تحویل به خریدار اطلاع داده بود که به زمان بیشتری برای مذاکرات با تولیدکننده خود نیاز دارد و در نتیجه مشخص نبود که آیا تحویل خواهد داد و چه موقع تحویل خواهد داد. دادگاه به‌درستی در رأی خود اظهار کرد که این یک نقض اساسی است. حال فرضی را در نظر بگیریم که قیمت کالاها در بازار به‌سرعت در حال نوسان هستند به‌طور مثال در رابطه با بازار کشور ما که از نظر قیمت‌ها بسیار بی‌ثبات است و اصطلاحاً بازاری با ریسک بالا دارد به‌طور ضمنی می‌توان استنباط نمود که حتی یک تأخیر کوتاه باید به خریدار این حق را بدهد که بتواند قرارداد را فسخ کند. دلیل این راهکار این واقعیت است که در چنین مواردی خریدار نباید ریسک افت چشم‌گیر قیمت و یا حتی بالاتر از آن یعنی ریسک در مورد ورشکستگی نهایی فروشنده را به دلیل آن افت قیمت‌ها متحمل شود.

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد طبق قسمت «ب» بند ۱ ماده ۴۹ و ماده ۴۷ کنوانسیون در جایی که فروشنده هیچ چیزی تحویل نداده است خریدار می‌تواند یک مهلت مازادی را برای تحویل تعیین کند و پس از پایان ناموفق آن مهلت، قرارداد را فسخ نماید. این امکان روشی را فراهم می‌آورد که هر تأخیری به‌صورت قطعی نقض اساسی محسوب نشود (Abdullah-Ahmed, 2017: 132).

تحویل با تأخیر معمولاً نقض اساسی نیست مگر اینکه زمان ایفای تعهد ماهیت و ذات قرارداد باشد، مانند قراردادهای دارو یا کالاهای فصلی در ایران نیز قراردادهایی که زمان تحویل جزء اساس قرارداد تلقی شود، دادگاه‌ها فسخ را مجاز می‌دانند. برای مثال، اگر کالاهای وارداتی برای یک فصل مشخص خریداری شده باشند و تحویل با تأخیر موجب از دست

1. Oberlandesgericht Düsseldorf, Germany, 21/04/2004, (CISG-online 913)

2. Corte di Appello di Milano, Italy, 20/03/1998, (CISG-online 348)

3. Oberlandesgericht Hamburg, Germany, 28/02/1997, (CISG-online 261)



رفتن بازار شود، فسخ امکان‌پذیر است. این تطبیق نشان می‌دهد که تحلیل تأخیر باید هم جنبه اقتصادی و هم ماهیت قرارداد را در نظر بگیرد.

۲-۳. تحویل کالای نامطابق

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد قسمت «الف» بند ۱ ماده ۴۹ کنوانسیون پیش‌بینی می‌کند که فسخ قرارداد در صورتی ممکن است که کوتاهی فروشنده در انجام هر یک از تعهدات خود در قرارداد یا این کنوانسیون به معنای نقض اساسی قرارداد باشد. مطابق ماده ۲۵ کنوانسیون نقض هنگامی اساسی تلقی می‌شود که منجر به ضرر اساسی به خریدار شود تا وی را از آنچه طبق قرارداد انتظار داشت محروم کند مگر اینکه فروشنده پیش‌بینی نکرده باشد (ضابطه شخصی) یا شخص معقولی از همان نوع در همان شرایط (ضابطه نوعی) چنین نتیجه‌ای را نمی‌توانست پیش‌بینی کند (Schlechtriem, 2006: 88).

بنابراین به‌طور ضمنی می‌توان برداشت نمود که عیب و نقص کالا از اهمیت عینی خاصی برخوردار است. لذا عدم انطباق کالا باید آن‌قدر جدی باشد که خریدار ملزم به نگه‌داشتن کالا نشود و با ضمانت اجرای خسارت یا تقلیل ثمن نیز برای جبران کردن نقص موجود مواجه نشود (Shin, 2006: 351). با توجه به بندهای قراردادی مورد توافق طرفین و بررسی کردن اوضاع و احوال قضیه می‌توان هدف از خرید کالا را تعیین کرد و نیز همچنین به این سؤال پاسخ داد که آیا امکان رفع نقص در قرارداد وجود دارد یا خیر و با توجه به تمامی این‌ها می‌توان میزان ضرر متوجه خریدار را اثبات کرد.

با توجه به مفاد قراردادی که مورد توافق طرفین است این طرفین هستند که می‌توانند آنچه را که ماهیت و ذات قرارداد می‌دانند را قید کنند و بر آن توافق کنند. سپس اگر فروشنده مطابق با مفاد تصریح شده در قرارداد نتواند کالا را تحویل دهد، نمی‌تواند ادعا کند که ضرری که از این‌رو متوجه خریدار گردیده است، را پیش‌بینی نکرده است. در نتیجه جای تعجب نیست که دادگاه‌ها حتی در مواردی که تحویل کالا توسط فروشنده انجام شده است نقض اساسی قرارداد را مورد شناسایی قرار داده‌اند.^۱

در صورت عدم وجود شرط‌های صریح در قرارداد، باید به هدفی که کالای مورد نظر بدان منظور خریداری شده است توجه شود. اینکه آیا کالاها واقعاً هدف قرارداد را برآورده می‌کنند یا خیر، با تعیین نقض اساسی صورت گرفته در قرارداد مرتبط خواهد بود. در جایی که خریدار می‌خواهد خودش از کالا استفاده کند، این مسئله که کالا می‌تواند بازفروش شود، حتی با

1. CIETAC China International Economic & Trade Arbitration Commission, 30/10/1991, (CISG-online 842); Appellationsgericht Basel-Stadt, Switzerland, 22/08/2003, (CISG-online 943); Oberlandesgericht Stuttgart, Germany, 12/03/2001, (CISG-online 841)

قیمتی پایین تر و تخفیف خورده، بحثی کاملاً نامربوط است.^۱ در عوض عامل تعیین کننده این است که کالا کاملاً با قصد و هدف استفاده در نظر گرفته شده توسط خریدار نامناسب است تا حدی که خریدار قادر به استفاده از کالا بدون انجام هزینه غیرمعقول نیست.^۲ در هر صورت، اگر شغل خریدار تجارت بازفروش کالا باشد، مسئله احتمال امکان «فروش کالا توسط خریدار»^۳ مطرح می شود. اگر کالاها به هیچ وجه قابلیت بازفروش نداشته باشند، نقض اساسی وجود خواهد داشت (Schwenzer, 2014: 163)، به عنوان مثال مواد غذایی که با مقررات ملی بهداشت مغایرت دارند.^۴ در موارد دیگر، مسئله این است که آیا در دوره عادی تجارت خود، می توان بازفروش کالاهای نامطابق را از یک خریدار انتظار داشت؟ یک عمده فروش با دسترسی گسترده تر به بازارها در مشاغل مربوطه فرصت بیشتری برای بازفروش کالا در مقایسه با یک خرده فروش دارد. از یک خرده فروش نمی توان انتظار داشت که کالا را با قیمت تخفیف خورده ای بازفروش کند؛ زیرا با این کار احتمالاً به اعتبار خود آسیب می رساند.^۵ در تعیین مصادیق این موضوع، باید اهداف و علایق خاص مشتریان خرده فروش مورد توجه قرار گیرد (حسینی مقدم، ۱۳۹۸: ۴۴).

استثناء مهم فسخ طبق کنوانسیون از این منظر، امکان فروشنده برای رفع نقص است (Jansen, 2014: 339). گرچه ماهیت ذاتی و اصلی عیب و نقص همیشه شرط لازم برای اثبات نقض اساسی قرارداد است، اما این همیشه بسنده نخواهد بود. در مواردی که رفع نقص توسط فروشنده به عنوان مثال با تعمیر و رفع عیب کالاها^۶ یا تحویل کالای جایگزین به جای کالای معیوب یا کالای مفقودی^۷ بدون تأخیر غیرمعقول یا ایجاد مزاحمت برای خریدار هنوز امکان پذیر باشد، می توان گفت که هنوز نقض اساسی محقق نشده است، یا بهتر است بگوییم ممکن است خریدار نتواند قرارداد را فسخ کند هرچند نقض صورت گرفته اساسی به نظر برسد (اصغری، ۱۳۹۳: ۱۷۱). در اینجا باید به اهدافی که خریدار بدان منظور کالا را خریداری کرده است توجه شود. اگر تحویل به موقع، ماهیت و ذات قرارداد باشد، تعمیر یا جایگزینی توسط فروشنده معمولاً به موضوع تأخیر نامعقول^۸ ذکر شده در بند ۱ ماده ۴۸ کنوانسیون منجر می شود. علاوه بر این، اگر اساس اعتماد در قرارداد از بین رفته باشد یا خدشه دار شده باشد برای مثال به دلیل رفتار فریبنده فروشنده، نباید از خریدار انتظار داشت که رفع نقص توسط

1. Landgericht München, Germany, 27/02/2002, (CISG-online 654)

2. ICC International Court of Arbitration, 01/01/1995, (CISG-online 843)

3. On sell

4. ICC International Court of Arbitration, 01/01/1995, (CISG-online 526)

5. Oberlandesgericht Köln, Germany, 14/10/2002, (CISG-online 709)

6. Handelsgericht des Kantons Aargau, Switzerland, 05/11/2002, (CISG-online 715)

7. Landgericht Köln, Germany, 16/11/1995, (CISG-online 265)

8. Unreasonable delay



فروشنده را بپذیرد. همچنین هنگامی که فروشنده از رفع نقص امتناع ورزد یا نقص با تلاش معقول در یک‌زمان معقول قابل رفع نباشد، نقض اساسی قرارداد نیز قطعی تلقی خواهد شد. تحویل کالای نامطابق، زمانی نقض اساسی محسوب می‌شود که خریدار نتواند از کالا استفاده کند یا فروش مجدد آن غیرممکن باشد. در ایران، قضات نیز معمولاً این معیار را بر اساس آثار اقتصادی نقص و اهمیت کالای خریداری شده تعیین می‌کنند. برای مثال، اگر مواد غذایی یا دارویی مطابق استانداردهای ملی نباشد، نقض اساسی و حق فسخ ایجاد می‌شود. در تحلیل عملی، توجه به امکان رفع نقص توسط فروشنده اهمیت دارد؛ اگر رفع نقص با تأخیر غیرمعقول یا هزینه غیرموجه انجام شود، فسخ مجاز است.

۲-۴. سایر موارد

در قراردادهای بیع بین‌المللی که شامل اسناد است، لازم است در ابتدا بین سه وضعیت مختلف تمایز قائل شد. اول، اسناد مختلفی وجود دارد که معمولاً با قرارداد بیع همراه هستند، به عنوان مثال، بیمه‌نامه‌ها، گواهی‌های مبدأ، گواهی‌های بازرسی، گواهی‌های ترخیص کالا از گمرک و غیره؛ دوم، قرارداد بیع می‌تواند مستلزم تحویل اسناد مالکیت باشد مانند بارنامه‌ها، رسید لنگرگاه، قبض انبار یا معادل الکترونیکی مربوطه آنها؛ سوم، باید شرایط ویژه پرداخت مانند اعتبار اسنادی یا ال سی را نیز در نظر گرفت (Clausson, 1984: 101). در تمامی این موارد، وجود اسناد تمیز^۱ اصولاً جزوی از ماهیت قرارداد است و اگر طرف دیگر نتواند اسناد را اصلاح و رفع نقص کند ممکن است فسخ ایجاد شود. برای مثال اگر قرارداد پرداخت با اعتبار اسنادی را پیش‌بینی کرده باشد، این به‌طور ضمنی بدان معنی است که اسناد از هر نظر باید «تمیز» باشند. در غیر این صورت، خریدار حق دارد که قرارداد را فسخ کند. این ضرورت انطباق دقیق اسناد را می‌توان مستقیماً از بند «الف» ماده ۱۳ یو سی پی دریافت کرد. مواد ۲۰ به بعد یو سی پی به تفصیل مشخص کرده است که تحت چه شرایطی اسناد به عنوان «تمیز» پذیرفته می‌شوند.

همچنین نقض وظایف و تعهدات غیر از مواردی که ذکر شد نیز می‌تواند به یک نقض اساسی منجر شود، اما تنها در مواردی که عدم ایفای تعهد، احد طرفین را از منافع اصلی قرارداد محروم کند. این وظایف و تعهدات اضافی در خود کنوانسیون در ماده ۳۲ ذکر شده است. به عنوان مثال مشخص کردن کالاها برای شناسایی آنها، ترتیب حمل کالاهایی که فروشنده این وظیفه را پذیرفته باشد، یا تمام اطلاعات لازم را برای خریدار به منظور تأمین بیمه فراهم کند. وظایف و تعهدات اضافی بیشتری نیز ممکن است به‌طور خاص طبق شروط ضمن عقد مورد توافق طرفین قرار گیرد (مافی، ۱۴۰۳: ۹۶۶).

1. Clean documents

با این حال پرونده‌های حقوقی نادری وجود دارد که نقض چنین تعهدات اضافی یک نقض اساسی قلمداد شود. دادگاه‌ها در جایی که فروشنده ممنوعیت باز فروش کالا^۱ یا یک توافق صحیح مبنی بر فروش انحصاری^۲ یا یک ممنوعیت واردات دوباره کالا^۳ را نقض کرده است این‌ها را نقض اساسی تلقی کرده‌اند. اگر فروشنده نتواند هر یک از تعهدات اضافی دیگر را انجام دهد بعید به نظر می‌رسد، اما غیرممکن نیست که عدم ایفای تعهد موجب محروم شدن خریدار از منافع اصلی قرارداد شود و بنابراین یک نقض اساسی محسوب می‌شود.

در قراردادهای بین‌المللی که شامل اسناد یا شرایط ویژه پرداخت هستند، عدم ارائه اسناد مطابق با قرارداد، امکان فسخ ایجاد می‌کنند همچنین عدم اجرای سایر وظایف، مانند ارائه اطلاعات لازم برای بیمه یا مشخص کردن کالاها، ممکن است نقض اساسی ایجاد کند، به شرطی که محروم شدن از منفعت اصلی قرارداد رخ دهد. در حقوق داخلی ایران، هرچند چنین موارد نادر هستند، اما دادگاه‌ها در مواقعی که عدم ایفای تعهد، عملاً اجرای قرارداد را مختل کند، فسخ را معتبر می‌دانند. این تطبیق نشان می‌دهد که توجه به شرایط عملی و اقتصادی قرارداد برای تعیین فسخ ضروری است.

۳. الزامات فسخ قرارداد

الزامات اصلی فسخ برای کلیه وضعیت‌های پیش‌بینی شده کم و بیش یکسان است: اول، ارتکاب یک نقض اساسی در قرارداد؛ دوم اخطار یا اطلاع؛ سوم محدودیت زمانی البته نه همیشه ولی تقریباً برای مهم‌ترین موارد و چهارم بازگرداندن کالاهایی که اساساً تغییر نکرده‌اند.

۳-۱. نقض اساسی قرارداد

الزام اصلی برای فسخ قرارداد، اساسی بودن نقض قرارداد است نه هر نقضی. نقض اساسی در ماده ۲۵ کنوانسیون تعریف شده است. بر مبنای این ماده طرف زیان‌دیده باید اساساً از چیزی که انتظار داشت طبق قرارداد عاید او شود محروم شده باشد. به عبارت دیگر در نتیجه عدم ایفا یا ایفای نادرست تعهدات قراردادی، طرف زیان‌دیده باید عمده‌تاً علاقه خود را نسبت به قرارداد از دست داده باشد. این مسئله باید از یک نقطه نظر و دیدگاه عینی و عملی مشخص شود هرچند با توجه به هدف قراردادی که طرفین تعیین کرده‌اند^۴، اگر این شرایط محقق شود نقض یک ماهیت اساسی خواهد داشت و به طرف زیان‌دیده اجازه می‌دهد تا به قرارداد پایان بدهد.

1. Handelsgericht des Kantons Aargau, Switzerland, 26/09/1997, (CISG-online 329)
 2. Oberlandesgericht Koblenz, Germany, 31/01/1997, (CISG-online 256)
 3. Cour d'appel de Grenoble, France, 22/02/1995, (CISG-online 151)
 4. Bundesgericht, Switzerland, 28/10/1998, (CISG-online 413)



لازم است این نکته مهم نیز ذکر گردد که تقصیر یا قصور از جانب طرف نقض‌کننده الزامی نیست.

با این حال تعریف نقض اساسی در ماده ۲۵، به ندرت برای حل موضوعات کافی است؛ زیرا بسیار مجمل است و حاوی چندین اصطلاح نامشخص است که اختیار نسبتاً گسترده‌ای در مقام تفسیر به‌جای می‌گذارد؛ بنابراین فقط پرونده‌های بین‌المللی برای وضعیت‌های مختلف نقض قرارداد هستند که راهنمایی‌های روشنی را به ما ارائه می‌کنند. تا به این لحظه کیس‌های حقوقی بین‌المللی توانسته‌اند دسته‌های خاصی از پرونده‌ها را تشکیل دهند که کاملاً روشن کند که یک نقض صورت گرفته در قرارداد چه موقع اساسی است و چه موقع نیست. می‌توان اضافه کرد که در حقوق ایران نیز معیار نقض اساسی قرارداد در ماده ۲۲۸ قانون مدنی و بندهای مرتبط با قراردادهای تجاری پیش‌بینی شده است. برای مثال، اگر عدم ایفای تعهد باعث شود هدف اصلی قرارداد محقق نشود، دادگاه‌ها می‌توانند فسخ را اعمال کنند، حتی اگر تقصیر از طرف ناقض نباشد.

۳-۲. اطلاع

طبق ماده ۲۶، کنوانسیون می‌خواهد که طرفی از قرارداد که محق است به قرارداد پایان دهد به طرف دیگر در رابطه با این فسخ اطلاع دهد. در دوران قبل از تصویب کنوانسیون طرف زیان‌دیده می‌توانست بدون اطلاع دادن به طرف مقابل خود، قرارداد را فسخ کند و از این‌رو مشکلات فراوانی در این رابطه به وجود می‌آمد و بعضاً زیان‌های سنگینی بر طرف ناقض تحمیل می‌گردید. در بیشتر مواقع برای طرف دیگر ناواضح بود که تشخیص دهد قرارداد در چه تاریخی فسخ شده است. چنانچه می‌دانیم فسخ آثاری دارد و تعیین زمان فسخ از این‌رو بسیار مهم است. علاوه بر این طرف مقابل که فسخ بر او تحمیل می‌شود باید اطلاع پیدا کند تا در این خصوص اقدامات لازم و مقتضی را انجام دهد تا از زیان‌های بعدی که بر او تحمیل می‌شوند جلوگیری کند. این ابتکار کنوانسیون به بسیاری از این مشکلات و مسائل پایان بخشید. لذا برخلاف عرف سابق، کنوانسیون اجازه خاتمه خودکار یک قرارداد را نمی‌دهد. طرفی از قرارداد که حق فسخ برای او ایجاد شده است باید از این‌رو همیشه به طرف دیگر اطلاع دهد که می‌خواهد حق فسخش را اعمال کند.

اطلاعیه فسخ باید با وسایل ارتباطی مناسب به طرف مقابل قرارداد برسد. ارسال اطلاعیه به‌صورت عادی کافی است (Saare, 2008: 48)؛ بنابراین امروزه حتی فرستادن ایمیل نیز کفایت می‌کند (Ferrari, 2001: 306). طبق ماده ۲۷ کنوانسیون دریافت اطلاعیه توسط طرف مقابل ضروری و جزو الزامات نیست؛ زیرا طرف مقابل که مرتکب نقض اساسی شده است باید مسئولیت هرگونه انتقال نادرست یا عدم انتقال اطلاعیه فسخ را بر دوش بکشد.

خود الزام فرستادن اطلاعیه نسبتاً اکید و محکم است. گرچه در این اطلاعیه نیازی به ذکر صریح اصطلاح فسخ نیست، اما باید به طور واضح مشخص شود که قرارداد در شرف از بین رفتن است (امینی، مافی و اعظمی چهاربرخ، ۱۳۹۰: ۳۹). به عنوان مثال اگر اطلاعیه ابراز داشته باشد که کالا فوراً و به طور کامل در اختیار فروشنده‌ای قرار گرفته است که بازپرداخت مبالغ را درخواست می‌کند و از هرگونه تحویل بیشتر کالا امتناع می‌کند این رفتار به عنوان یک اطلاعیه فسخ در نظر گرفته می‌شود.^۱

اطلاعیه به فرم و شکل خاصی نیاز ندارد. می‌تواند به صورت کتبی یا حتی شفاهی نیز باشد.^۲ با این حال این اختلاف نظر وجود دارد که آیا کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا اجازه‌ی یک اطلاعیه ضمنی فسخ را نیز می‌دهد و آیا صرف رفتار می‌تواند چنین اطلاعیه ضمنی را تشکیل دهد. تاکنون مواردی از این دست نادر بوده است و هیچ پرونده‌ای در مورد این قضیه وجود ندارد. اطلاعیه شفاهی یا ضمنی معمولاً مورد قبول نیست، مگر آنکه شواهد روشن از قصد فسخ وجود داشته باشد. این موضوع با اصل احتیاط و شفافیت در معاملات بین‌المللی همخوانی دارد. با وجود این در شرایطی که رفتار طرف به وضوح قصد فسخ قرارداد را نشان می‌دهد و رفتاری که در رابطه با نقض به طرف ابلاغ شده است این به دلیل اصل عمومی آزادی مندرج در ماده ۱۱ کافی خواهد بود؛ اما در صورت بروز هرگونه ابهام، هیچ اطلاعیه فسخ معتبری را نمی‌توان از رفتار استنباط کرد (Bridge, 2006: 418)؛ بنابراین اگر خریدار کالاهایی به عنوان کالای جانشین خریداری کند یا اگر فروشنده کالاها را دوباره بفروشد^۳ این یک تعبیر روشن و کافی از قصد فسخ نیست. همچنین صرف بازفرستادن کالا بدون ابراز نظری، به معنای یک اطلاعیه فسخ نیست؛ زیرا ذاتاً پیام چنین بازفرستادن‌های بدون ابراز نظر معمولاً مبهم است: این هم می‌تواند به این معنی باشد که خریدار می‌خواهد قرارداد را طبق ماده ۴۹ فسخ کند یا اینکه فقط می‌خواهد کالای جانشین طبق ماده ۴۶ تحویل داده شود. تنها در صورتی که اوضاع و احوال همراه با قضیه به صورت واضح و روشن این ابهام را از بین ببرد می‌توان از چنین رفتاری اطلاعیه فسخ را استنباط نمود.

می‌توان اشاره کرد که در حقوق ایران نیز اعلام فسخ به طرف مقابل الزامی است و در صورت عدم اطلاع، اثر فسخ ممکن است محدود شود. افزون بر این، در رویه برخی دادگاه‌های تجاری ایران، ارسال اظهارنامه رسمی یا حتی ایمیل معتبر برای اثبات اطلاعیه فسخ کافی شناخته شده است.

1. Oberlandesgericht Köln, Germany, 14/10/2002, (CISG-online 709)

2. Oberster Gerichtshof, Austria, 06/02/1996, (CISG-online 224)

3. Oberlandesgericht Bamberg, Germany, 13/01/1999, (CISG-online 516)

۳-۳. محدودیت زمانی

به‌طور کلی کنوانسیون محدودیت زمانی مشخصی برای اطلاعیه فسخ قرارداد ارائه نمی‌کند و صرفاً می‌توان بر اساس بند دوم ماده ۷ در صورت عدم توافق در خصوص زمان، یک مدت زمان معقول در عرف را استنباط کرد (Bergsten, 2008: 12). لذا قواعد عمومی در رابطه با محدودیت هستند که اعمال می‌شوند. در این خصوص یا مقررات محدودیت طبق کنوانسیون محدودیت سازمان ملل^۱ اعمال می‌شود یا قانون ملی قابل اجرا که به‌نوبه خود باید طبق قوانین حقوق بین‌الملل خصوصی در مقر دادگاه صالح تعیین شوند. با این حال کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا دو استثنا مهم را که محدودیت زمانی در آن اعمال می‌شود مقرر می‌کند:

طبق بند ۲ ماده ۴۹ اگر فروشنده کالا را تحویل داده باشد، خریدار می‌تواند حق فسخ را فقط در مدت زمان معقول پس از آن اعمال کند (اسدی، ۱۴۰۱: ۴۵). مطابق رویه دادگاه‌های بین‌المللی این بازه زمانی طولانی نیست. طول دقیق آن در وهله اول به شرایط و اوضاع و احوال پرونده بستگی دارد. در رویه بین‌المللی، مفهوم «مدت زمان معقول» معمولاً بین ۴ تا ۶ هفته برای موارد استاندارد و ۲ ماه در پرونده‌های پیچیده در نظر گرفته شده است. در حقوق ایران، ماده ۳۶ قانون تجارت و ماده ۲۸ قانون مدنی نیز بر رعایت زمان معقول برای اعمال فسخ تأکید دارند؛ اما اگر شرایط و اوضاع و احوال خاصی وجود نداشته باشد، ۲ ماه^۲ و یا مثلاً ۵ ماه^۳ مدت طولانی غیرمنطقی تلقی شده است که می‌تواند منجر به از بین رفتن حق فسخ شود. در حالی که ۵ هفته^۴ هنوز معقول بوده و به خریدار اجازه می‌دهد تا به‌درستی قرارداد را فسخ کند. اصل حسن‌نیت می‌تواند در تعیین مدت زمان معقول اثرگذار باشد و دادگاه‌ها ممکن است در صورت ایجاد شبهه یا طولانی شدن تأخیر، حق فسخ را محدود کنند.

اگر این فروشنده باشد که صاحب حق فسخ قرارداد شده است و اگر خریدار قبلاً تعهدات اصلی خود را طبق قرارداد انجام داده باشد یک قاعده تقریباً یکسان اعمال می‌شود: یعنی او قبلاً قیمت کالا را پرداخت کرده است؛ یعنی خریدار باید تعهد دیگری را نقض کرده باشد و از این طریق مرتکب نقض اساسی قرارداد شده باشد. سپس فروشنده نیز باید در مدت زمان معقول واکنش نشان داده و فسخ قرارداد را در این مدت اعلام کند. جزئیات آغاز دوره زمانی توسط بند ۲ ماده ۶۴ تنظیم می‌شود. اگرچه به نظر می‌رسد هیچ کیس حقوقی در مورد این ماده نمی‌توان یافت.

۱. کنوانسیون نیویورک مربوط به محدودیت زمانی که به‌صورت پروتکل الحاقی به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ضمیمه شده است.

2. Oberlandesgericht München, Germany, 02/03/1994, (CISG-online 108); Bundesgerichtshof, Germany, 15/02/1995, (CISG-online 149)

3. Oberlandesgericht Koblenz, Germany, 31/01/1997, (CISG-online 256)

4. Oberlandesgericht Oldenburg, Germany, 01/02/1995, (CISG-online 253)

اگر محدودیت زمانی خاص کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا وجود نداشته باشد، اما فقط قواعد عام محدودیت اعمال شود این دوره می‌تواند طولانی باشد برای مثال طبق نظر کنوانسیون محدودیت سازمان ملل چهار سال^۱ یا بر اساس نظر بعضی قوانین ملی حتی شش سال مانند بسیاری از کشورهای با سیستم حقوقی کامن‌لا^۲، ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا اصل حسن‌نیت در شکل خاصی از اسقاط حق با انجام ندادن هیچ کاری از سوی طرف مقابل کاهش این محدودیت زمانی را توجیه می‌کند. چنانچه می‌دانیم اصل حسن‌نیت^۳ از جمله اصول مشهور مخصوصاً در زمینه تجارت بین‌الملل است که از دیرباز در عرف تجاری بین‌المللی کارکرد دارد. در اینجا پیشنهاد می‌شود که طبق اصل حسن‌نیت چنین کاهش قابل قبول است (مهدوی، ۱۳۹۵: ۱۹۲). اصول عام اساسی کنوانسیون طبق بند ۲ ماده ۷ شامل این واقعیت می‌شود که اگر یک طرف قرارداد با رفتار خود باعث شود که طرف مقابل به این باور برسد که از حق خود استفاده نخواهد کرد؛ آن طرف قرارداد از اعمال حق خود منع می‌شود. این اصل همچنین شامل بند ۲ «ب» ماده ۱۶ و بند ۲ ماده ۲۹ می‌شود؛ بر این اساس، این اصل می‌تواند منجر به کاهش مدت زمانی شود، در غیر این صورت با قوانین بسیار سخاوتمندانه محدودیت مواجه می‌شویم که اصل حسن‌نیت در قرارداد را مخدوش می‌کند و از این‌رو عملی نیست. از طرفی هم اصل حسن‌نیت و معامله منصفانه که تعهدی تلویحی در هر قرارداد است در بسیاری از دادگاه‌ها ضمانت اجرایی ندارد (نعیمی، ۱۴۰۱: ۱۲۰).

۳-۴. بازگرداندن کالا

بر اساس کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا خریدار طبق اصل موجود در بند ۱ ماده ۸۲ در صورتی که نتواند کالا را در همان شرایطی که دریافت کرده است بازگرداند حق خود را برای فسخ قرارداد از دست می‌دهد (حیاتی، ۱۳۸۸: ۲۸). اگر بازگرداندن کامل کالا غیرممکن باشد، فسخ به‌طور کلی از دایره شمول خارج می‌شود. با این وجود استثنائات خاصی از این اصل وجود دارد که عواقب بسیار شدید این اصل را به طور گسترده کاهش می‌دهد. بند ۲ ماده ۸۲ مقرر می‌دارد که خریدار حق فسخ را از دست نمی‌دهد اگر موجب عدم امکان بازگرداندن کالا به صورت کامل نشده باشد یا کالاها به‌خاطر معاینه مربوطه توسط او آسیب‌ندیدگی باشند یا اگر عدم انطباق کالاها پس از اینکه کالا مصرف شد یا تغییر شکل داده شد کشف شود. با این وجود کیس‌های حقوقی نشان داده است که حتی این موارد استثنائی نیز نیاز به گسترده شدن دارند یعنی مثلاً برای مواردی که خریدار کالاها را بهینه می‌کند یعنی تغییرات مثبتی در آن ایجاد می‌کند. در چنین حالتی خریدار نمی‌تواند کالا را طبق شرایط مقرر بازگرداند و هیچ‌یک

1. UN Limitation Convention article 8
2. The Limitation Act of 1980 in UK
3. The principle of good faith



از استثنائات صریح فوق‌الذکر نیز اعمال نمی‌شود. با این وجود با هدف و روح ماده ۸۲ مخالف است که در این قضیه حق فسخ خریدار رد شود؛ بنابراین خریدار می‌تواند هرگونه حق فسخی را اعمال کند.

نکته شایان توجه این است که این اصل که حق فسخ را از دایره شمول خارج می‌کند تا زمانی که بازگرداندن تمامی کالا ممکن شود یکی از معدود قوانین بیع بین‌المللی کالا است که اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی یونیدروا^۱ و اصول حقوقی قراردادهای اروپایی لندو^۲ آن را تصویب نکرده‌اند. هر دو مجموعه اصول، اجازه فسخ قرارداد را می‌دهند حتی اگر خریدار نتواند کالا را کامل یا ناقص بازگرداند. سپس او از این رو باید مبلغ از دست‌رفته فروشنده را جبران کند. در برخی حقوق ملی، مانند فرانسه و آلمان، عدم امکان بازگرداندن کامل کالا موجب لغو حق فسخ نمی‌شود بلکه خریدار موظف به جبران خسارت ناشی از عدم بازگرداندن می‌گردد. در کنوانسیون، فلسفه بازگرداندن کالا به گونه‌ای است که اطمینان حاصل شود که هیچ‌یک از طرفین ضرر غیرمنصفانه نمی‌بینند و این محدودیت به نفع تعادل قراردادی است.

بحث و نتیجه‌گیری

مرور سازوکار فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نشان می‌دهد که فسخ، یک اقدام حقوقی فوق‌العاده و دارای اهمیت ویژه است و برخلاف سایر ضمانت اجراها، تنها در شرایط خاص و با رعایت الزامات دقیق اعمال می‌شود. این الزامات شامل وقوع نقض اساسی، اطلاع‌رسانی به طرف مقابل، رعایت محدودیت‌های زمانی و بازگرداندن کالاهاست. رعایت دقیق این موارد، هم منافع طرف زیان‌دیده را حفظ می‌کند و هم از اعمال خودسرانه و بی‌مورد فسخ جلوگیری می‌کند، امری که در معاملات بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از دشواری‌های اصلی در حقوق قراردادهای، تعیین مرز بین نقض‌هایی است که ادامه قرارداد را ممکن می‌سازند و نقض‌هایی که حق فسخ را ایجاد می‌کنند. کنوانسیون با تعریف نقض اساسی و فراهم کردن راهکارهای روشن برای اطلاع‌رسانی و اعمال فسخ، این مشکل را تا حد زیادی حل کرده است. این چارچوب قانونی به طرف زیان‌دیده اجازه می‌دهد که منافع خود را به‌طور واقعی و مؤثر حفظ کند و در عین حال، ثبات و امنیت قراردادهای نیز حفظ می‌شود.

خط مرزی میان ادامه قرارداد و فسخ آن به‌شدت و اثر نقض بر منافع قراردادی طرف زیان‌دیده وابسته است. این منافع هم از منظر ذهنی طرف قرارداد و هم از منظر عینی و واقعی

1. UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts (2004) article 7.3.6

2. principles of European contract law art. 9:309 (Ole Lando & Hugh Beale eds., 2000)

تعیین می‌شوند. ترکیب این دو عنصر، تعادلی میان حقوق طرفین ایجاد می‌کند و انعطاف لازم برای مواجهه با موقعیت‌های متنوع تجاری بین‌المللی را فراهم می‌آورد. بررسی پرونده‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که این رویکرد عملی، میزان اختلافات پیچیده را کاهش داده و اجرای قوانین را به شکل یکپارچه و قابل اعتماد تسهیل کرده است.

از منظر تطبیقی، حقوق داخلی ایران نیز فسخ قرارداد را به عنوان یک ابزار ویژه و کنترل شده در شرایط مشخص پیش‌بینی کرده است. همانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، فسخ در ایران تنها زمانی مجاز است که نقض قرارداد به حدی اساسی و اثرگذار باشد که ادامه قرارداد برای طرف زیان‌دیده غیرممکن یا نامطلوب گردد. با این حال، تفاوت مهمی وجود دارد: در حقوق ایران، ارزیابی شدت نقض و پیامدهای اقتصادی و عملی آن نقش برجسته‌ای دارد و دادگاه‌ها معمولاً فسخ را تنها در صورتی تأیید می‌کنند که طرف ناقض عملاً منافع اقتصادی و عملی طرف زیان‌دیده را به‌طور قابل توجهی مختل کرده باشد. این رویکرد، از یک‌سو تضمین می‌کند که فسخ صرفاً به عنوان یک راهکار نهایی و متناسب اعمال شود و از خودسرانه بودن آن جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر به طرفین قرارداد انگیزه می‌دهد تا تعهدات خود را به‌طور جدی اجرا کنند. در نتیجه، تلفیق معیارهای بین‌المللی و تحلیل‌های داخلی، امکان برقراری توازن میان حفظ ثبات قراردادها و حمایت از حقوق طرف زیان‌دیده را فراهم می‌آورد. همچنین این تطبیق نشان می‌دهد که اصول کنوانسیون می‌توانند در نظام حقوقی ایران به‌عنوان راهنمایی عملی مورد استفاده قرار گیرند، به‌ویژه در پرونده‌های پیچیده‌ای که ارزیابی اساسی بودن نقض و آثار اقتصادی آن نیازمند قضاوت دقیق و تحلیلی است. در نهایت، این نگاه تطبیقی نه تنها جایگاه ویژه فسخ را در حقوق قراردادها مستحکم می‌کند، بلکه امکان بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی را برای توسعه رویه قضایی داخلی فراهم می‌سازد.

سازوکار فسخ در کنوانسیون، امکان انعطاف و سازگاری با شرایط متنوع تجاری و فرهنگی را فراهم می‌کند و از اعمال زور یا تصمیمات خودسرانه جلوگیری می‌کند. این توازن، همراه با رویه قضایی بین‌المللی و حمایت آن‌سیترال دایجست، اطمینان می‌دهد که فسخ تنها در شرایط لازم و متناسب اعمال شود و پیامدهای اقتصادی و حقوقی آن برای طرفین قابل پیش‌بینی و کنترل باشد.

در نهایت، فسخ قرارداد بر اساس کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نه تنها یک ابزار حفاظتی برای طرف زیان‌دیده است، بلکه یک سیاست متعادل و کاربردی است که ثبات و اعتماد در روابط تجاری بین‌المللی را تقویت می‌کند، ضمن آنکه زمینه را برای تطبیق این اصول با حقوق داخلی کشورها، از جمله ایران، فراهم می‌آورد. به این ترتیب، فسخ به عنوان یک ضمانت اجرا،



هم از نظر عملی و هم از نظر حقوقی، جایگاهی برجسته در نظام حقوق قرارداد‌های بین‌المللی پیدا می‌کند و بهبود شفافیت و عدالت در معاملات را تضمین می‌کند.

منابع

- اندرز، داود. (۱۳۹۷). فسخ قرارداد اقساطی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران. *دانشنامه‌های حقوقی*، ۱(۱)، ۸۵-۱۱۹.
- https://jcl.illrc.ac.ir/article_239453.html
- اسدی، محمد مهدی. (۱۴۰۱). فسخ قرارداد به عنوان طریق جبرانی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (مطالعه تطبیقی). *تمدن حقوقی*، ۵(۱۳)، ۳۱-۵۲.
- https://www.pzhfars.ir/article_160272.html
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین و کاویار، حسین. (۱۳۹۳). نهاد تسلیم کالای جانشین در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۱ وین و تطبیق آن با حقوق ایران. *حقوقی بین‌المللی*، ۳۱(۵۰)، ۱۸۶-۱۶۵.
- https://www.cilamag.ir/article_15802.html
- امینی، منصور؛ مافی، همایون و اعظمی چهاربرخ، حسین. (۱۳۹۰). بررسی حق فسخ ناشی از پیش‌بینی نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران. *مطالعات حقوقی*، ۱(۴)، ۵۲-۳۵.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/967314>
- حسینی مقدم، سید حسن. (۱۳۸۸). مطالعه‌ی تطبیقی پیامد فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران. *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۳(۴)، ۳۹-۶۴.
- https://lps.journals.umz.ac.ir/article_2565.html
- حیاتی، علی عباس. (۱۳۸۸). آثار فسخ در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق مدنی ایران، مصر و فرانسه. *دین و ارتباطات*، ۱۵(۱)، ۷۳-۹۶.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/20942/>
- داراب‌پور، مهرباب و دیگران. (۱۳۹۸). *اصول و مبانی حقوق تجارت بین‌الملل*. کتاب دوم، حقوق بیع و حمل و نقل بین‌المللی. چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- رحیمی، حبیب‌اله. (۱۳۸۴). پیش‌بینی نقض قرارداد. *نشریه حقوق و سیاست*، ۷(۱۶)، ۱۴۵-۱۱۵.
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۸). *حقوق تجارت بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- صفایی، سید حسین و دیگران. (۱۳۸۴). *حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قبولی درافشان، سید محمدمهدی و دیگران. (۱۳۹۷). چگونگی اعمال فسخ در فرض نقض تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌الملل ۱۹۸۰ حقوق ایران و حقوق عراق. *مطالعات بین‌المللی*، ۱۵(۳)، ۸۹-۱۱۴.
- https://www.isjq.ir/article_89600.html
- مافی، همایون و دیگران. (۱۴۰۳). مطالعه نقض اساسی در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین با نگاهی به حقوق ایران. *مطالعات فقه اقتصادی*، ۶(۵)، ۹۵۷-۹۷۴.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2196361>



- مقصودی، مراد و انصاری‌نژاد، مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی موارد فسخ عقد بیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین با حقوق ایران. *فقه حقوق و علوم جزا*، ۲(۶)، ۱۴۶-۱۵۷.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1856495>
- مهدوی، سید محمدهادی و دیگران. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی مفهوم و معیارهای تشخیص نقض اساسی قرارداد. *حقوقی دادگستری*، ۸۲(۱۰۱)، ۱۸۷-۲۱۱.
https://www.jlj.ir/article_31414.html
- میرزانژاد جویباری، اکبر. (۱۳۸۲). فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران. *حقوقی بین‌المللی*، ۲۰(۲۹)، ۳۳۰-۲۸۵.
https://www.cilamag.ir/article_18041.html
- نعیمی، سید مرتضی. (۱۴۰۱). فلسفه الزام‌آور بودن قرارداد بررسی تطبیقی در نظام حقوقی کامن لا و حقوق ایران. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۶(۴)، ۱۱۰-۱۳۶.
- Abdullah Ahmed, B. & Mustafa Hussein, H. (2017). Avoidance of contract as a remedy under CISG and SGA comparative analysis, *Journal of law policy and globalization*, 61, 126-142.
- Bergsten, E. & others. (2008). Consequences of avoidance of the contract, *CISG advisory council opinion*, 9.
- Bridge, Mi. (2010). Avoidance for fundamental breach of contract under the UN convention on the international safe of goods, *The international and comparative law quarterly*, 59(4), 911-940.
- Bridge, M. G. (2006). "Issues arising under Articles 64, 72 and 73 of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods", *Journal of law and commerce*, 25, 405-422.
- Claussion, O. (1984). Avoidance in nonpayment situations and fundamental breach under the 1980 UN convention on contracts for the international sale of goods, *NYLS journal of international and comparative law*, 6, 93-117.
- Dimatteo, L. & others. (2016). *International Sales Law: Contract, Principles & Practice*, Nomos/Hart Publishing.
- Emre Ay, Y. (2022). The fundamental breach of contract of sale under the CISG, *Law and Politics*, 20, 25-32.
- Ferrari, F. (2001). Brief Remarks on the Conclusion of Contracts on the Internet and the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, *The European legal forum*, 5, 301-376.
- Honnold, J. O. (1999). *Uniform law for international sales under the 1980 united nation convention*, The Hague, Kluwer Law International, 3rd edition.
- (2016). *UNCITRAL Digest of Case Law on the United Nations Convention on the International Sale of Goods*, NewYork, United Nations Publication.
- Jansen, S. (2014). Price reduction under the CISG 21st century perspective, *Journal of law and commerce*, 32, 325-379.
- Liu, Ch. (2005). Effects of avoidance perspectives from the CISG UNIDROIT principles and PECL and case law, *Nordic journal of commercial law*, 1-31.
- Obeidat, Y. (2018). The remedy of price reduction under CISG, *Journal of sharia and law*, 76(2018), 37-70.



- Perovic, J. (2022). Contracts for the international sale of goods, *Revija kopaonice skole prirodnog prava*, 1, 133-307.
- Saare, K. & others. (2008). The buyer's free choice between termination and avoidance of a sales contract, *Juridica International*, XV, 43-53.
- Schlechtriem, P. (2006). Subsequent performance and delivery dealines avoidance of CISG sales contracts due to non conformity of the goods, *Pace international law review*, 18, 83-98.
- Schwenzer, I. & Tebel, D. (2014). Suspicion, mere Suspicion: non-conformity of the goods, *Uniform law review*, 19(1), 152-168.
- Shin, Chang-Sop (2006). Declaration of Price Reduction under the CISG Article 50 Price Reduction Remedy, *Journal of law and commerce*, 25, 349-352.
- Yovel, J. (2010). The buyer's right to avoid the contract in international sales, an international approach to the interpretation of the united nations convention of contracts for the sale of goods John Felemegas, *Cambridge University Press*, 1-25.
- Zaheeruddin, M. (2016). Avoidance of contract for fundamental breach under the united nations convention on contracts for the international sale of good, *The IUP law review*, 6(3), 7-19.